

پای دانی

www.ketabo.ir

سرشناسه :	ذکایی، سیروس، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور :	پره‌ای دانایی / سروده سیروس ذکایی.
مشخصات نشر :	تهران: سیروس ذکایی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری :	۹۶ ص؛ ۱۴ X ۲۱ س. م.
شابک :	۸-۵۵۲۴-۰۴-۶۰۰۰-۹۷۸-۱۴۰۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست نویسی :	فیفا.
موضوع :	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع :	Persian poetry- - ۲۰th century
رده بندی کنگره :	۴ ۱۳۹۵ پ ۴۵/۵۶/۸۰ PIR
رده بندی دیویی :	۸۶۲ / ۸۱۰
شماره کتابشناسی ملی :	۴۳۱۹۹۱۵

نام کتاب: پره‌ای دانایی

سرورده: سیروس ذکایی

ناشر: مولف

ناظر فنی: شاهرخ خواجوی ۷۶۲/۴۹۰۰۹۱

سال چاپ: ۱۳۹۵

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی: ایده گراف نوین

چاپ و صحافی: امیدوار

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۸-۵۵۲۴-۰۴-۶۰۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: سهروردی شمالی، خیابان شهید قندی، کوچه دوازدهم، پلاک ۳، واحد ۲
تلفن: ۸۸۸۳۷۹۳۶

حق چاپ محفوظ است.

«پیش گفتار»

جنس کلماتی که سیروس ذکایی در شعرهایش به کار می برد برگرفته از جهان بینی خاصی ست که حاصل شیوه ی زندگی و نوع ارتباط او با زیست جهانش است گاه شعرهایش فریاد می زنند، گاهی می گریند و بعد شروع می کنند به خندیدن، می خندند به اجتماع که پیرامون اوست به عشق هایی که به قول خودش به کمال نمی رسند، تک تک کلمات به کار رفته در آثارش به نوعی حکم یادآوری کننده ی دارند.

اما این که چرا شعرهای سیروس کوتاه هستند چون امروزه زبان در حالت اختصار و کوتاه شدن در خدمت واژگان است و شعر کوتاه دارای خاصیت پیام رسانی سریع است که فکر شاعر و مخاطب را در فرایند تولید اثر در کم ترین زمان به هم میرساند می دهد از این رهگذر است شعرهایی چون هایکو، طرح، طرح واره، کوتاه نوشت و پریسکه ... که در ادبیات کهن این مرز و بوم رواج دارد. ریشه ی تاریخی آن برمی گردد به سابقه، تاریخ سرایش شعر فارسی در قلم و بزم رزمینی اش. نخستین سروده های پارسی را شعرهای کوتاهی تشکیل می دادند که بافت مذهبی داشت و برگرفته از گانتهای زرتشت و

ارژنگ مانی ست این شعرها تحت عنوان سه گانی ها مشهوراند.



مثلاً «خسروانی» باربد بزرگ، یکی از ادیبان دوران ساسانی را می توان به عنوان کهن ترین ریشه ی شعر کوتاه ایرانی نام برد به همین علت سیروس ذکایی نیز در آثارش به سرودن این نوع شعر گرایش دارد به عنوان مثال در ادامه چند نمونه از آثارش را می آوریم.

گا من به مرگ پشت پا می زنم

گاه مرگ به من

نمی دانم این بازی کی تمام می شود

من چقدر عاشق

سکسکه های جهان شدم

که قرار بود دخترکی فالگیر

دنیا را به خلسه در بیاورد

بگذار چترم را ببندم

و با موسیقی باران

خیس ترین عابری باشم

که به تو برسم

